



دو کتاب درباره عباس دوران جنگ برفراز آسمان

مهدیه جاهد

خبرنگار

۲۰ مهر سالروز تولد شهید خلبان عباس دوران است. به همین مناسبت این شماره معرفی دو کتاب را که به زندگی این شهید بزرگوار پرداخته است بررسی می کنیم.



دوران پرواز:

شهید عباس دوران سال ۱۳۲۹، شهرستان شیراز متولد شد. در ۱۳۴۹ به دانشکده خلبانی نیروی هوایی راه یافت و پس از گذراندن دوران مقدماتی پرواز در ایران، در سال ۱۳۵۱ برای تکمیل دوره خلبانی به آمریکا رفت. ایشان در پایگاه کلمبوس در ایالت می سی سی پی موفق به آموختن فن خلبانی و پرواز با هواپیماهای جنگنده شد. او پس از موفقیت در دریافت نشان خلبانی در سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت و به عنوان خلبان هواپیمایی اف ۴، مشغول انجام وظیفه شد.

دوران، سحرگاه ۳۰ تیر سال ۱۳۶۱ به قصد ضربه زدن به شبکه دفاعی و امنیتی نفوذناپذیر مورد ادعای صدام، پس از نمایش قدرت و شکستن دیوار صوتی در آسمان بغداد، هنگام بازگشت، مورد اصابت موشک دشمن واقع شد. شهید دوران با همان هواپیمایی جنگنده به سمت اجلاس سران در بغداد می رود و از قلب آسمان مانع برگزاری این اجلاس مهم در خاک دشمن می شود.

کتاب شناسی:

کتاب ها، مستندها و سریال های زیادی در مورد زندگی شهید دوران ساخته و نوشته شده اند. این میان مهمترین کتاب هایی که در مورد این شهید منتشر شده اند عبارت اند از: آسمان ۴، دوران به روایت همسر شهید از زهر مشتاق نشرروایت فتح

آن قابل قبول است.

کتاب جزئیات زیادی

از زندگی حرفه ای شهید دوران

دارد. نثر سنگین حماسی کتاب را

کمی از راحت خوانی خارج کرده

است. با وجود توضیحات مناسب

نثر اصطلاحات خلبانی و پرواز

مخصوصاً، اما به گونه ای کتاب فاقد

روح و احساس و انگیزه لازم برای ایجاد

کشش در مخاطب است و لوی اینکه

اطلاعات خوبی از نحوه شهادت و

انگیزه های شهید دوران برای انجام

وظیفه سخت و شهادتش به مخاطب

می دهد. اما مجموعه کتاب های

آسمان از انتشارات روایت فتح که

کتاب آسمان ۴ به زندگی شهید دوران از

زبان همسرش می پردازد شاید کملی

بر کتاب بمبی در کابین باشد. کتاب

سرتاسر حس، درگیری با متن زندگی

و شور و هیجان و همسر شهید است

و از زاویه ای زنانه به روایت شخصیت

درون گرا و اختصار طلب شهید دوران

پرداخته است. خوش خوانی و کوتاه

بودن و نثر روان نویسنده از ویژگی های

بسیار خوب کتاب است. همچنین

پرداخت زهر مشتاق از زاویه ای تازه

به شخصیت جنگنده سوار شهید

دوران نیز هست.

دو کتاب بمبی در کابین و آسمان ۴ در

کنار هم سهمگینی و ابهت هواپیمایی

جنگی و روح والا و آسمانی و شخصیت

منحصر به فرد شهید را از زاویه ای

لطیف به مخاطب ارائه می کنند. اولی

حماسه دوران و دیگری آنجا که عباس

دوران شکل می گیرد.



دو کتاب بمبی در کابین

و آسمان ۴ در کنار هم

سهمگینی و ابهت هواپیمایی

جنگی و روح والا و آسمانی و

شخصیت منحصر به فرد شهید

را از زاویه ای لطیف به مخاطب

ارائه می کنند. اولی حماسه

دوران و دیگری آنجا که عباس

دوران شکل می گیرد



نقد کتابی که نوشته نشده!

جست وجوی زندگی حافظ میان سطرهای کتاب

فاطمه شهروش

خبرنگار

کتابی داستانی درباره حافظ سر باز

بزنند ولی به نظر می رسد با همین

داده های محدود نیز بتوان زندگی او

را در قالبی روایی و همه پسند بیان

کرد. البته عبدالحسین زرین کوب

در کتاب «از کوچه زندان» درباره

زندگی و اندیشه حافظ سخن گفته

ولی نثر سنگین و حجم نسبتاً زیاد

کتاب آن را از زمره آثاری که برای

مخاطب عام قابل فهم هستند،

خارج می کند. زرین کوب در

سال ۱۳۵۴ در مقدمه این کتاب

۲۹۶ صفحه ای نوشته است: «در

واقع شاعر شیراز در یک عمر که

به پیرانه سری نیز رسید، چنان

زندانه زیست که نه رد پای درستی

از خود باقی گذاشت، نه سرگذشتی

که سایه او باشد؛ آن روشنی که اثر

هنری را آینه احوال هنرمند می کند،

در شعر او نیست و از سرگذشت او

نیز آنقدر کم در شعرش رسوب کرده

است که نمی توان از خلال این

اشعار سیمای واقعی او را به درستی

طرح کرد.» به همین دلیل در متن

کتاب هر جا که سندی قطعی

برای بیان ماجرای پیدا نمی کند،

تردید خود را اعلام می کند و به

عنوان مثال می نویسد: «توالی

حوادث و پیشامدهای عبرت انگیز،

اندک اندک شور و شوق جوانی او را

فرو می کاست. آیا در این اوقات کار

دیوانی نیز داشت؟ ظاهراً داشت. در

واقع ارتباط با عمل و دیوان گه گاه از

پاره ای اشعار وی برمی آید.»

با این اوصاف حتی اگر این کتاب

چاپ تمام به لطف نسخه های

الکترونیکی یا دست دوم به دست

مخاطب عام ادبیات برسد،

نمی تواند لذتی مشابه خواندن

آثاری چون ملت عشق را تجربه

کند. لذا امید است در آینده ای

نه چندان دور و در یکی از بیستم

مهرماه هایی که در تقویم به نام

این شاعر پیراوازه نام گذاری شده،

از کتابی رونمایی شود که به زبانی

ساده و داستانی، خوانندگان را با

چگونگی زیست وی آشنا می کند.



در واقع شاعر شیراز

در یک عمر که به

پیرانه سری نیز

رسید، چنان زندانه

زیست که نه رد پای

درستی از خود

باقی گذاشت، نه

سرگذشتی که سایه

او باشد